

عمده‌ترین مسأله در دسرساز، ردصلاحیت تعداد زیادی از نامزدهای جبهه اصلاحات و خاصه نمایندگان مجلس ششم برای انتخابات مجلس هفتم بود. به دلیل آن ردصلاحیت‌ها، تعدادی از نمایندگان در مجلس تحصن کردند که این اتفاق در این سطح برای نخستین بار رخ می‌داد. مقاومت‌های خارج از مجلس و اختلافات درون مجلس سطح مناقشه را بالا برده بود. از سوی دیگر نظر آقای خاتمی هم باتحصن کنندگان همسو نبود. آقایان خاتمی و کروبی در گفت‌وگو با رهبری و شورای نگهبان سعی می‌کردند که مشکل را حل کنند اما برخی از دوستان اصلاح‌طلب‌مان در مجلس این روش را قبول نداشتند و می‌گفتند باید خیلی جدی‌تر پای کار آمد و به ردصلاحیت‌ها اعتراض کرد. آقای خاتمی و نمایندگانی که آقای کروبی مدیریشان می‌کرد، باتحصن مخالف بودند اما نمایندگانی با محوریت آقای نبوی طرفدار تحصن.

مجلس هفتم خیز برای کسب قدرت بیشتر

انتخابات مجلس هفتم در اول اسفند ۸۲ در شرایطی برگزار می‌شود که اصلاح‌طلبان چهار موفقیت‌ویک شکست را با هم تجربه کرده بودند: موفقیت در انتخابات ریاست جمهوری هفتم و هشتم، مجلس ششم و شورای اول شهر و اما شکست‌شان در انتخابات شورای شهر دوم در اسفند ۸۱ بود. در انتخابات هفتم مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان در سکان نظارت استصوابی بار دیگر دامنه حذف را گسترده‌تر کرده بود و از ۲۵۲ نماینده مجلس ششم، ۸۵ نفر از نمایندگان شخص اصلاح‌طلب را ردصلاحیت کرده بود. بعد از اعلام نظر شورای نگهبان، در نخستین جلسه علنی مجلس، نمایندگان



فراکسیون اکثریت، اصلاح‌طلبان در اعتراض یک ساعت جلسه علنی آبستراکسیون و مجلس را ترک کردند. این ردصلاحیت‌های گسترده مورد اعتراض نمایندگان بود و تحصن ۲۶ روزه نمایندگان (۲۱ دی تا ۱۶ بهمن)، روزه سیاسی (از روز هفتم تحصن) و استعفاي برخی از نمایندگان مجلس را در پی داشت. وزیر کشور خواستار تعویق در برگزاری انتخابات شد؛ اما در نهایت چنین نشد و انتخابات مجلس در تاریخ مقرر برگزار شد. اما قبل از آن بار دیگر چون مجلس سوم، شاهد اختلاف بین هیأت‌های اجرایی و نظارت بودیم. نمایندگان مجلس هم‌زمان در جلسات علنی خانه ملت طرحی سه‌فوری با عنوان «حل بحران ردصلاحیت‌ها» ارائه دادند که براساس آن، نهایت معتمدین بهترین مرجع عرفی به شمار رفته و درباره کسانی که یک‌بار نامزد مجلس بودند و صلاحیتشان تأیید شده، اصل بر استصحاب است، الا اینکه بدلائل محکمه‌پسند خلاف آن ثابت شود. اما این طرح فردای آن روز توسط شورای نگهبان رد شد و نمایندگان آن را به مجمع تشخیص مصلحت نفرستادند. بعد از ۲۶ روز تحصن نمایندگان در آخرین بیانیه خود، انتخابات مجلس هفتم را «کودتای پارلمانی» و «فرمایشی» خواندند و تنها راه پیش‌رو را استعفاء از نمایندگی عنوان کردند و ۱۱۷ نماینده استعفاي دسته جمعی دادند. در این مدت خیلی از سیاسی‌ها، معاونان دولت در جمع متحصن‌ها حاضر شدند و بیانیه‌های متعددی از سوی روزنامه‌نگاران و تشکل‌های سیاسی همچون انجمن اسلامی معلمان، انجمن اسلامی مدرسين، انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران، انجمن روزنامه‌نگاران زن، جمعی از رؤسای دانشگاه‌های کشور و

غیره خوانده شد و بیانیه استعفاي ۲۸ تن از رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی خطاب به رئیس‌جمهوری یکی از آنها بود.

■ شروع مجلس اصولگرایی

بعد از پایان کار مجلس ششم در ۶ خرداد ۱۳۸۳، مجلس هفتم، در ۷ خرداد ۸۳ با ریاست سنی محمدعلی شیخ و با مراسم رسمی شروع شد. در روزهای اعتراض گسترده نمایندگان مجلس ششم، غلامعلی حدادعادل این اعتراض را «غیرموجه» می‌خواند. او در انتظار روزهای دیگری بود که احتمال ریاست مجلس داشت. در نهایت حدادعادل که سرلیست انتخاباتی ائتلاف آبادگران و نماینده اول تهران در این مجلس بود بر کرسی ریاست تکیه زد. او در دومین جلسه علنی مجلس هفتم در ۹ خرداد ۸۳، با حسن سبحانی، نماینده دامغان، برای ریاست مجلس رقابت کرد و با رأی رئیس مجلس شد و چهار سال مداوم این دونفر با هم برای ریاست رقابت کردند؛ اگرچه همیشه رأی سبحانی کمتر از حدادعادل بود اما شمارش و مقایسه رأی این چهار سال نشان از رشد گرایش به سمت سبحانی دارد؛ در حالی که رأی حدادعادل هر سال نسبت به سال قبل کم‌تر می‌شد.

■ حدادعادل: رئیسی برای یک دوره

هفتم خرداد ۱۳۸۳ با رای محمدعلی شیخ بود که به عنوان رئیس سنی رفت بر صدر مجلس هفتم نشست. دو روز بعد رقابت برای ریاست موقت بین غلامعلی حدادعادل و حسن سبحانی بود؛ از ۲۶۶ رأی مأخوذه، حدادعادل ۱۹۶ رأی کسب کرد و سبحانی ۵۵ رأی (با ۱۵ رأی سفید). روز ۱۷ خرداد فقط حدادعادل نامزد کسب ریاست دائمی مجلس بود که از ۲۵۹ رأی مأخوذه، ۲۲۶ رأی گرفت؛ تعداد آرای سفید ۳۲ عدد و باطله یک رأی بود. سال بعد برای ریاست یک‌ساله حسن سبحانی به رقابت با حدادعادل برخاست که این بار ۸۶ رأی کسب کرد اما در مقابل ۱۶۰ رأی حدادعادل (از ۲۵۵ رأی مأخوذه و ۹ رأی باطله) نتوانست کرسی ریاست را کسب کند.

■ رقابت رقابت در غیاب رقیب

زمان ثبت‌نام اقبال زیادی به رقابت بود؛ اما جناح محافظه‌کار افزایش تعداد نامزدها را به سناریو «جنبش ثبت‌نام» تعبیر می‌کرد و این اقدام را تلاش برای بالا بردن هزینه ردصلاحیت بر شورای نگهبان عنوان می‌کرد. اتفاقی که بار دیگر در انتخابات مجلس دهم تکرار شد و مخالفت‌هایی با همین استدلال که در نهایت باعث ردصلاحیت گسترده نامزدهای حامی دولت، اصلاح‌طلبان شد. اما در مجلس دهم اتفاق دیگری افتاد و آن هم اینکه اولین بار دامنه ردصلاحیت از اصلاح‌طلبان به سمت طیفی از اصولگرایان که در گذر زمان و اندوختن تجربه راهی متفاوت از دوستان قدیم در پیش گرفته بودند، گسترده شد. این بار ۴۶ نماینده مجلس ردصلاحیت شد که اکثر آنها از نماینده‌های حامی علی لاریجانی رئیس مجلس نهم و عضو فراکسیون رهروان ولایت بودند. بعد از اعلام نتیجه بررسی صلاحیت‌ها در مجلس هفتم، عمده گروه‌های سیاسی که نامزدهای آنها ردصلاحیت شده بودند وارد رقابت سیاسی نشدند و برخی انتخابات را تحریم کردند و برخی هم از ائتلاف‌ها حمایت کردند. از میان گروه‌های عضو جبهه دوم خرداد، به غیر از مجمع روحانیون مبارز، خانه کارگر و مجمع اسلامی بانوان بقیه تشکل‌های سیاسی اصلاح‌طلب در اعتراض به ردصلاحیت‌ها در انتخابات شرکت نکردند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در بیانیه ۲۴ آذرماه خود خواستار شرکت همگان در انتخابات شد و در ۲۶ بهمن ماه در بیانیه دیگری اعلام کرد که در انتخابات «ناعادانه» شرکت نمی‌کند. جبهه مشارکت ایران اسلامی هم ردصلاحیت‌ها را تضییع حق انتخاب شدن و انتخاب کردن خواند و بارگزاری کنگره‌ای فوق‌العاده، از میان عدم شرکت یا تحریم انتخابات، عدم شرکت را انتخاب کرد. از طرف دیگر دبیران کل احزاب همبستگی، کارگزاران سازندگی، نهضت آزادی ایران و نیروهای ملی‌مذهبی در مصاحبه‌هایی اعلام کردند که در انتخابات شرکت نمی‌کنند. مجمع روحانیون مبارز و شورای هماهنگی جبهه دوم خرداد هم به ردصلاحیت‌های گسترده اعتراض کردند و این ردصلاحیت‌ها را بی‌سابقه خواندند.

■ احمدی‌نژادی‌ها آمدند

احزاب اصولگرا در غیبت رقیب، موضعی دیگر گرفتند؛ آنها به اعتراض‌کننده‌های ردصلاحیت‌ها اعتراض می‌کردند و این بار اصولگرایان از ائتلاف آبادگران ایران اسلامی حمایت کردند. ائتلاف آبادگران ایران اسلامی دومین دوره حضور در قدرت را تجربه می‌کردند؛ بار اول در انتخابات شورای شهر دوم که در نهایت محمود احمدی‌نژاد شهردار تهران شده بود و این بار می‌خواستند وارد مجلس هفتم بشوند. یعنی در زمستان سال ۱۳۸۱ و باز نزدیک شدن به انتخابات دوره دوم شوراهای اسلامی شهرو روستا، احمدی‌نژاد در مرکز فعالیت‌های انتخاباتی جناح محافظه‌کار قرار گرفت. بدون آنکه نامی از او برده شود. جناح راست که در آن انتخابات تحت نام جمعیت آبادگران در انتخابات شرکت کرده بود، در پی مشارکت پایین مردم تهران، نتوانست کرسی‌های